

محبوب فؤاد حضرت امین جناب حاجی میرزا ابوالحسن علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه فرمایند

۱۵۲

بِسْمِ رَبِّنا الْأَقْدَسِ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ

حمد بساط حضرت موجودی را که وجود را موجود فرمود و عالم را بانوار اسم اعظم منور نمود در عالم معنی و معنی معنی و معنی معنی سرّی و مطلبی و کلمه‌ئی باقی نه مگر آنکه از قلم اعلایش جاری و ساری و ظاهر و هویدا جلّ جلاله و عمّ نواله و عظم شأنه و لا اله غیره و الصلوة و السلام و التکبیر و البهَاء و الذّکر و الثّناء علی اولیائه الذّین ما نقضوا عهده و میثاقه و قاموا علی خدمة امره العزیز البدیع

و بعد یا محبوبی این نامه ششم است که ارسال میشود دستخطهای آنمحبوب نمره اول ۱۷ ربیع‌الأول و ثانی دهم جمادى‌الأول و ثالث پنجم جمادى‌الثانی رسید رسیدن ارمغان بیان در حدیقه معانی آنچه در او مذکور مکرر قرائت شد نفعات محبت از او ساطع و فوحات خلوص از او در هبوب هر کلمه آن شاهدهی بود صادق و گواهی بود امین بر اقبال و توجّه و خدمت حضرت امین و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقصد اعلی نموده امام وجه بعد از اذن عرض شد و باصغاء محبوب عالم فائز گشت هذا ما انزله الرحمن فی الجواب قول الرّبّ تعالی و تقدّس

انا المبین الحکیم

یا امین طوبی از برای کلمه‌ئی که در ایام الله باصغاء مقصود فائز گشت و طوبی از برای حرفیکه در محضر اقدسش حاضر شد و طوبی از برای لفظیکه در مدینه‌اش ظاهر گشت قل ان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها ظاهر شد و ظاهر فرمود آنچه را که از قلوب و عیون مستور بود راهش نمودار امرش پدیدار من غیر تعطیل و تعویق اشراقات انوار آفتاب عنایتش رسیده و میرسد سرچ امر باسمش ظاهر و آیات عظمت بامرش نازل اوست قادر یکتا و گوینده یکتا حزب الله را از ذکور و اناث که در بلاد حقّ جلّ جلاله ساکنند یعنی مدائن ایمان و ایقان هر یک را تکبیر و سلام برسان و بانوار آفتاب بخشش الهی بشارت ده و باتار قلم اعلی متذکر دار طوبی لک یا امین شهد قلمی الاعلی بانک فزت بالحضور و اللّقاء و المشاهدة و الاصغاء کن سحاباً للبلاد و نیشان العنایة للعباد از حقّ میطلبیم حزب خود را بطراز انقطاع مزین فرماید بشأنیکه بتمام همّت بر خدمت قیام نمایند و بهدایت من علی الأرض توجّه کنند

بگو ای اهل عالم ندای مظلوم را بشنوید و بانچه سزاوار است تمسک نمائید بر هر نفسی راه خدا معلوم و واضح بمثابه آفتاب نورش مشرق و اشراقش ظاهر هر نفسی بر خدمت قیام نماید ذرات عالم و اهل فردوس اعلی و جنت علیا از حقّ تأییدش را میطلبند و توفیقش را میخواهند بعنایت حقّ جلّ جلاله قدم را از مکان بردارید و بر لامکان گذارید و آن مقام انقطاع از کل و قیام بر خدمتست امروز نور ندا مینماید و طور بشارت میدهد اثمار میگوید یا اشجار روز روز شادبست و یوم فرح و سرور است چه که محبوب ظاهر و مشهود است عجب جذبی عالم را اخذ کرده و عجب شوری بین ملاً اعلی بساط ابتهاج بکمال انبساط مبسوط طوبی از برای لسانیکه بذکرش ذاکر و سمعیکه بترنّمات اشیاء فائز ای صاحبان سمع اطیبار فردوس اعلی در تغنی ای صاحبان بصر انوار اسم اعظم مشهود خود را محروم نمائید قدر ایام را بدانید قلم اعلی در لیلی و ایام بذکر حزب الله مشغول طوبی لهم و لهم حسن مآب و لله الأمر فی المبدء و المعاد انتهى الحمد لله فائز شد آنمحبوب بانچه که امل مقرّین و امل مخلصین بوده

اینکه در ذکر مخدّره مکرمه عمّه و بنت علیهما بهاء الله مرقوم داشتند و همچنین ذکر حاجیهای ارض کاف علیهم بهاء الله و ذکر ضیافت ورقه خدیجه سلطان علیها بهاء الله کل بشرف عرض امام حضور ربّ فائز و هر یک از لسان عظمت مذکور این نعمت عظیم است مقامش را بدانید چندی قبل حضرت اسم الله مه علیه منکّل بهاء ابهاه ذکر ضیافت نمودند و بعد از قبول عمل فرمودند در همان ليله ذکر ایشان از قلم اعلى جارى و ارسال شد

اینکه در باره جناب آقا سیّد فرج الله علیه بهاء الله و محبّت و استقامت ایشان نوشته بودند بعد از عرض آفتاب عنایت از افق سماء فضل مشرق و از قبل هم حضرت اسم الله از جانب ایشان عمل نمود آنچه را که ذکر شده بود و اینکه در باره ابناء خلیل و وزّات کلیم علیهم بهاء الله در ارض هاء و میم مرقوم داشتند در ایامیکه آنمحبوب بشرف حضور فائز بودند یک صحیفه مبارکه از سماء مشیّت مخصوص ایشان نازل نظر بحکمت الی حین ارسال نشد و حال ارسال میشود از حقّ میطلبم ایشانرا مؤید فرماید بر استقامت کبری چه که ناعقین و ناهقین کالجراد المنتشر در مدن و دیار متفرّق شده اند نسل الله ان یحفظ الکّل بفضل و جوده انه هو جواد کریم

اینکه مرقوم داشتند مکتوب اینبعد که تاریخ آن ۲۶ ربیع الأول بود رسیده و قبل آن نرسیده صورت آنچه ارسال شد موجود یازدهم ربیع الأول مکتوب اینبعد که مزین بود بآیات الهی مع عدد تسع ۹ اوراق وصول ارسال شده امید است که تا حال رسیده باشد

اینکه در باره حبیب روحانی جناب آقا یحیی علیه بهاء الله مرقوم داشتند هر صاحب بصر و انصافی اگر ملاقات نماید میگوید آنچه را که جناب آقا یحیی گفته ولكن نظر بحجبات نفس و هوی و حبّ ریاست و اختلاف و فتنه و نفاق میگویند آنچه را که سبب اضلال خلق بیچاره است بمثابة مفتریات قبل که چند نفس غافل نظر بحبّ ریاست از حقّ گذشتند و بیانات موهومه عباد بیچاره را در بیدای حیرت و اختلاف و کذب مبتلا نمودند آنچه گفته اند جمیع کذب مثل ناحیه و جابلقا و جابلسا و امثال آن چنانچه بکرات اینفقرات در نامه های اولیا ذکر شده که شاید بعضی متنبّه شوند و مرّه اخری باوهامات قبل مبتلا نگردند این ایام احمد کرمانی ابن ملا جعفر و آقا خان بجزیره رفته اند و با مطلع اوهام تدبیرات کرده اند و مراجعت نموده اند حال ملاحظه نمائید اگر آن نفوس فی الجمله منصف بودند و یا لله حرکت مینمودند باید باین ارض که از اول امر الی حین ندای حقّ بأعلى النداء مرتفعست بیابند به حاجیه از اهل کاف و راء علیها بهاء الله گفته اند که به عکّا هم میآئیم مع ذلک نیامده اند سبحان الله بخدعه و مکرری ظاهر شده اند که غیر از حقّ از احصای آن عاجز حقّ شاهد و اولیانش گواه که آن نفوس ابداً از اصل امر آگاه نبوده و نیستند باری ذرهم فی خوضهم یلعبون مقصود از تحریر اینکلمات اطلاع آنمحبوب بوده لا غیر

در این حین تلقاء وجه حاضر و لسان عظمت باینکلمه ناطق قوله جلّ جلاله یا امین علیک بهائی لازال در نامه های تو که بعید حاضر ارسال نمودی ذکر اتحاد و اتفاق و الفت و محبّت و وداد حزب الهی بوده مخصوص نفوسیکه مابین عباد اختصاص یافته اند و بشرف عنایت مخصوصه فائزند ولكن الی حین آنچه سزاوار است مشاهده نگشت زهی حسرت اگر بنصایح قلم اعلى لوجه الله منقطعاً عن ملهمات النفس و الهوی عمل مینمودند ارض غیر ارض و عباد غیر عباد مشاهده میگشت از حقّ میطلبیم و بطلب تا ظاهر شود آنچه که سزاوار است امروز انقطاع و تقوی معین و ناصر امرند طوبی لمن فاز بهما فاسئل الله ان یمدّهم بجنود الذکر و یلهمهم ما ینبغی لهم فی ایام ربّهم المبین العلیم الحکیم

یا محبوب فزادی اینبعد در این حین از حزن جمال قدم بشائی محزون که فی الحقیقه عدم را بر وجود ترجیح دادم چه که حالتی مشاهده شد که لسان یاری ذکر و قلم یاری بیان ندارد و کفی بالله شهیدا و اینکه مرقوم داشتند دوستان الهی را در هر ارضی ملاقات نمایند بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس فرمودند امین علیه بهائی سبب تذکر عبادند و در جمیع احوال خیرخواه کل از حقّ میطلبیم او را تأیید فرماید انشاءالله در جمیع احوال بعزّ امر ناظر باشند ادای حقوق بر کل واجب و نفع آن

بانفس عباد راجع ولكن قبول آن معلّق است بروح و ریحان و رضای نفوس عادلّه عامله در اینصورت اخذ جایز و آلا فلا ان ربك هو الغنى الحميد انتهى

اینکه در باره محبوب روحانی جناب عندلیب علیه بهاء الله و عنایته مرقوم داشتید لله الحمد موقّند بر خدمت امر حضرت محبوب فؤاد جناب سمندر علیه بهاء الله الابهی مکرر ذکر ایشانرا نموده‌اند و این ایام نظم و نثر ایشان در حضور عرض شد و ورقه نظم را التفات فرمودند باهل سراق عصمت و عظمت ان ربنا هو الفضال الکریم بایشان بشارت بدهید لازال ذکر ایشان و تبلیغ ایشان و خدمت ایشان مذکور یسئل الخادم ربّه ان یؤیّده فیکلّ الأحوال

اینکه مراتب خلوص و محبت و اشتعال مخدّره ورقه ضلع مرفوع مرحوم آقا محمّد جعفر علیهما بهاء الله و همچنین ذکر اشتعال جناب حاجی ابوالقاسم علیه بهاء الله و توجه ایشانرا مرقوم داشتند هنیئاً لهما الحمد لله بعنایت حقّ جلّ جلاله فائزند و مخصوص ذکرشان از لسان عظمت جاری کل را بعنایت الهی بشارت دهید اینعبده هم خدمت هر یک سلام و تکبیر میرساند و از حقّ تعالی شأنه از برای هر یک میطلبد آنچه را که باقی و پاینده است ذکر جناب آقا میرزا مهدی علیه بهاء الله و محبت و استقامت ایشانرا فرموده بودند و همچنین ذکر من معه الّدی سمی باسمه الحمد لله این ایام در ساحت اقدس مذکورند و ذکر ایشان در آیاتیکه مخصوص حضرت محبوب فؤاد جناب ورقا علیه بهاء الله الابهی از سماء مشیت نازل شده نازل و ارسال شد انشاءالله بان فائز شده و میشوند و باشراقات انوار نیر بیان الهی مزین میگردند ان ربنا الرحمن هو المبین العلیم و هو المشفق الکریم حسب الاستدعای آنمحبوب این خادم بنیابت بزیارت فائز نسل الله تعالی ان يجعل حرف عملنا و آماننا کتاباً من عنده انه علی کلّشیء قدير

اینکه در دستخطّ دیگر آنمحبوب ذکر ورود به راء و شین و ذکر اولیای آن ارض و اشتعال و استقامتشانرا در محبت الهی مرقوم داشتند بعد از عرض حضور مالک یوم التّشور این آیات از مطلع عنایت اشراق نمود قوله تبارک و تعالی یا اولیائی فی الرّاء و الشّین اسمعوا نداء الله الملك الحقّ المبین انه لا اله الا انا الفرد الخیر امروز اشیاء مترنم و عنادل بیان بر اغصان سدره عرفان مغرّد امروز هر یک از اشیاء محلّی اختیار نموده و در آنمحل بذکر حقّ جلّ جلاله مشغول از عرف آیات مالک اسماء و صفات و شوق ظهور مظهر بیّات کل منجذب آیات سرور و ابتهاج کل را اخذ نموده و لکن معشر عباد اکثری غافل یا حزب الله اگرچه السن عالم از ذکر مالک قدم علی ما ینبغی عاجز و قاصر است و لکن چون کل را امر بذکر و ثنا فرموده لذا مقبول عنایت حقّ جلّ جلاله نسبت بشما بمثابه آفتاب روشن و منیر خلق فرمود تربیت نمود بصراط مستقیم راه داد و از کأس محبت قسمت عطا فرمود لعمر الله ملاً اعلی در جمیع احیان بذکر اهل بها مشغول یشهد بذلک لسان العظمة فی مقامه المحمود نسل الله ان یوفّقکم و یؤیّدکم علی ما امرتم به فی الكتاب و یمدکم بأسباب الأرض و السّماء و یقرّبکم الیه و یوصیکم بالمحبّة و الاتّحاد و بالحکمة و البیان انه هو الأمر الحکیم کل بکمال اتّحاد و اتّفاق رفتار نمائید و حکمت را از دست مدهید فساد و نزاع مردود است یا حزب الله انصروا المظلوم بالأعمال و الأخلاق هذا ما نزل فی الواح شتی من لدی الله مولی الوری البهّاء من لدنا علیکم و علی الذّین ما منعهم ظلم العالم عن الله مولی الأمم انتهى

و همچنین ذکر سادات خمس علیهم بهاء الله را نمودند هذا ما نزل لهم من جبروت عنایة ربنا المشفق الکریم قول الرّبّ تعالی و تقدّس یا امین علیک بهائی لله الحمد سادات مذکوره علیهم بهائی مکرر باتار قلم اعلی فائز بشّهم بذکری فی هذا الحین انا ذکرنا الذّین اقبلوا الی الله ربّ العالمین نسل الله ان یوفّقهم و یکتب لهم ما ینفعهم فی الآخرة و الأولى انه هو السّامع المجیب انتهى

و همچنین ذکر جناب آقا محمّد حسین (ص) علیه بهاء الله را نمودند بعد از عرض این آیات از مطلع عنایت ربنا الرحمن نازل قوله تبارک و تعالی انا ذکرناه من قبل و من قبل قبل و ایدناه علی الاقبال الی الله الفرد الخیر لازال در ساحت

اقدس مذکور بوده و هستند این آیام لوحی مخصوص او نازل و بتوسط اسم الله مه ارسال شد بشره بعنایتی و فضلی و رحمتی انتهی فی الحقیقه ایشان در آیامیکه فارس تشریف داشتند بذکر ناطق بودند و بر خدمت قائم آنه لا یضیع اجر المحسنین اینبعد هم خدمت ایشان سلام و ثنا میرساند و تکبیر عرض مینماید

ذکر ارض قاف و اولیای حقّ و ضیافتهای ایشان و همچنین ضیافت جناب حاجی محمد جواد علیهم بهاء الله را نمودند بعد از عرض در ساحت اقدس این بیان از ملکوت برهان نازل قوله تبارک و تعالی طوبی از برای نفوسیکه بخدمت اولیای الهی مشغولند لله الحمد اولیای ارض قاف هر یک بعنایت فائز و بانوار آفتاب استقامت منور کل را ذکر مینمائیم و بشارت میدهیم یا جواد علیک بهائی جناب امین ذکر شما را نموده از حقّ میطلبیم در جمیع احوال شما را تأیید فرماید و از اثمار ایقان اشجار بدیعه در ارض طیبه مبارکه برویاند و از آن اشجار اثمار دیگر و اوراق دیگر ظاهر فرماید اوست قادر و توانا لا اله الا هو العلیّ الأبهی یا جواد افرح بذکری آتاک و اقبالی الیک من شطر السّجن آنه لا یعادل بذکری شیء من الأشياء یشهد بذلک من عنده امّ الكتاب انتهی

اینکه در باره محبوب فؤاد حضرت حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله الأبهی مرقوم داشتند و همچنین مراتب خدمت و توکل و انقطاع و اشتغال و قیام و استقامت ایشانرا فی الحقیقه ایشان همان قسمند که آنمحبوب نوشته اند لله الحمد باخلاق طیبه مزینند و بر امر مستقیم و بنور منیر و بنار سدره مشتعل از حقّ تعالی شأنه از برای ایشان میطلبیم آنچه را که از افق کتاب الهی محو نشود

اینکه ذکر شیخ محمد کرمانشاه نمودید او از معرضین کبار است بیچاره کورکورانه میدود از امور اطلاع ندارد آنچه از غافلین شنیده بان تمسک بسته حاجی ابراهیم اهل قاف لیلاً و نهاراً با منافقین معاشر یا محبوب فؤادی استقامت بمثابه عنقا ذکرش موجود و هیکلش مفقود اکثری بهر ریخی متحرک از حقّ میطلبم بصر انصاف را بگشاید و راستی عطا فرماید بسیار حیف است این آیام عباد از بحر بیان محروم مانند الأمر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

اینکه در باره وجوهاتی که حواله شده بود بعضی برسانند مرقوم داشتید فی الحقیقه این امورات هر یک بایست از برای خیرات مع ضیق و تنگی این ارض و مصارف لاتحصی آنچه برسد اراده حقّ جلّ جلاله آنکه بنفوس راضیه مرضیه برسد تا باستغای کامل بتعلیم و اصلاح و تهذیب قبائل مشغول شوند در این حین اینکلمه علیا از مطلع عنایت کبری نازل قوله تبارک و تعالی هر نفسی الیوم اراده نصرت امر نماید یعنی بتبلیغ مشغول شود باید اولاً بطراز انقطاع مزین گردد از حقّ میطلبیم کل را موفق فرماید بر آنچه لایق آیام اوست انتهی

اینکه در ذکر ورقه ثمره علیها بهاء الله مرقوم داشتید بعد از عرض در ساحت اقدس لسان عظمت باینکلمه مبارکه ناطق قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی وجه هدهد علیها بهائی را امر نمودیم به ثمره برسد که او برساند چه که واسطه او بوده اما وجه میرزا محمد را مخصوص نوشتیم باید بدست خود او برسد اینفقره معلق بمشورت کسی نبوده آنچه از سماء مشیت نازل باید بان تمسک نمایند تا مطابق امر مبرم الهی واقع شود مقصود آنکه اینفقره اشتها نیاورد ستر این امور نزد حقّ محبوب بوده و هست آنه هو السّتر یأمرك بالسّتر الجلیل و هو الصّبار یأمرك بالصّبر الجمیل انتهی

اینکه در باره برات معلوم مرقوم داشتند و همچنین ردّ آنرا که مصلحت ندیده اند بلی باید مدارا نمود سبحان الله عالم شاهد و گواه که در الواح الهی مطلب واضح و هویدا مع ذلك الی حین مقصود معلوم نه مکرر از لسان عظمت اینکلمه علیا استماع شد قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر اینظهور از برای اصلاح عالم و الفت امم آمده که شاید بکوتر بیان که از قلم رحمن در کلّ احیان جاری نار ضغینه مکنونه در صدور بیفسرد و هیکل عالم از این مرض ادهم ظاهر شود و شفا یابد و همچنین هنگامی دیگر اینکلمه مبارکه از لسان مبارک شنیده شد فرمودند لعمر الله اگر ضرر بر نفس حقّ وارد شود نزد مظلوم اولی و

احسنست از آنکه بغیر واقع گردد مکرر امثال این بیان از لسان رحمن استماع شد و نفس کتب و زبر و الواح ناطق و مبین طوبی للناظرین میتوان ببعضی معاذیر تمسک نمود که هم ایشان فارغ شوند و هم معین مطمئن این خادم فانی از حقّ جلّ جلاله سائل و آمل که مخدوم مکرمّ جناب سی را مؤید فرماید بر آنچه که خیر و صلاح کل در آنست اگر راضی شوند بآنچه که در حضور القا شده البتّه حقّ جلّ جلاله نصرت نماید و اعانت فرماید و این نصرت و اعانت باسباب ظاهره معلّق نبوده و نیست بل مستلّت عبد است از حضرت باری جلّ جلاله و عمّت نعمائه و احاط فضلّه و کرمه و ملاقات آنمحبوب با نفوسیکه ذکر نمودند جایز نه هر قدر از آن نفوس مستور باشید اولی و احبّست

و اینکه در باره جناب آقا علی حیدر علیه بهاء الله مرقوم داشتید ایشان لازال لدی الوجه مذکورند اجر عاملین در کتاب از قلم اعلی مسطور بعد از عرض ذکر ایشان امام عرش اینکلمه علیا از لسان مولی الوری ظاهر قوله تبارک و تعالی یا امین علیک بهائی جناب علی قبل حیدر بذکر حقّ فائز لازال حقّ اعانت فرموده و او را بخدمت امر فائز نموده آنچه در باره او و خدمتش و همچنین اشتعالش بنار محبت الهی ذکر نمودی صحیح و لکن مرقاة را پله بسیار است و عرفانرا مراتب لانهایه از حقّ میطلبیم در هر یوم بر او بیفزاید و تأیید نماید لیصل الی مقام تکنون اعماله کلّها ذکراً واحداً و یجد منه المخلصون عرف عناية الله ربّ العالمین البهَاء من لدنا علیه و علی الذین ما غرّتهم الدنیا و ما منعهم عن التّقرب الی الغنی المتعال انتهى اینعبد فانیهم خدمت ایشان تکبیر و سلام میرساند در لیالی و ایام مذکورند من کان لله کان الله له آنچه از ایشان مشهود است خدمت امر الهی است یشهد الخادم بما یری و الأمر بید الله مولی الوری

و اینکه ذکر احبّاء الله سیسان علیهم بهاء الله را فرمودند لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل و ارسال شد و همچنین لوح امة الله ضلع جناب آقا محمّد قلی و یک صحیفه مبارکه مخصوص ابناء خلیل علیهم بهاء الله در ارض هاء و میم و همچنین اوراق وصول آنچه آنمحبوب نوشته اند و طلب نموده اند ارسال شد اولیا و دوستان الهی در هر ارض و بلد که ساکنند اینعبد خدمت هر یک سلام و تکبیر میرساند ربّ مطلوب و ایشان طالب ایشان سائل و حقّ مجیب لذا استدعا آنکه عباد خود را بنار محبت مشتعل فرماید و بنور معرفت منور اوست خداوند یکتا و المقتدر علی ما یشاء شاید از ذکر این خادم فانی متذکر شوند و به ما ینفعهم قیام نمایند السلام و الثناء و الذکر و التّکبیر و البهَاء علی حضرتکم و علیهم و علی کلّ ثابت راسخ مستقیم و کلّ قائم ناطق مبین علیم و الحمد لله المقتدر العزیز الحکیم

خادم

فی شعبان المعظم سنة ۱۳۰۴

[یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر